

رسم خاص سقایی

در حسینیة همدانی ها

نصبه سجادی

حسینیة و تکیه‌ها به دلایل مختلفی معروف می‌شوند و طرفداران پروپاقرص پیدای می‌کنند که گاه به دلیل مداحان و واعظانی هستند که بسا وعظ و خطبه‌های پر شورشان نام تکیه را ماندگار کرده‌اند، گاهی هم عزاداری سنتی و برنامه‌های فرهنگی، آن را خاص و دوستدارانی را از همه جای شهر به سویش جذب می‌کند. حسینیة همدانی‌ها تهران از آن جنس هیئت‌هایی است که شهرتش را هم مدیون روضه‌خوان‌های مشهورش است، مثل حاج حسین نصیریان که سال‌های زیادی است روزهای عاشورا و تاسوعا، عزاداران این حسینیة را با روضه‌های پر سوز و گدازش به صحرای کربلا می‌برد و با برگزاری آیین سقایی باعث شده کمتر کسی آن را نشناسد یا نامش را نشنیده باشد.

هیئت و حسینیة همدانی‌ها را سال ۱۳۲۰ خراج ابراهیم سماوانی بسرای انجام بخشیدن به روضه‌های خانگی همدانی‌ها مقیم مرکز که تا آن سال در خانه‌های اهالی برگزار می‌شد، در خیابان ری تاسیس کرد و اکنون ۸۰ هواندی است که پل‌برجاست.

حسینیة همدانی‌ها از آغاز تا دهه دوم محرم مجلس عزاداره به همراه مراسم آیینی خاص برای روزهای تاسوعا و عاشورا به سبک همشهریانشان در استان همدان، عزاداران همدانی هر سال با پوشیدن لباس یکدست سیاه و شال سبز، به اجرای آیین سقایی می‌پردازند، این آیین در لیست آثار ملی قرار گرفته و سال‌هاست ثبت میراث معنوی شده است، روز تاسوعا که از راه می‌رسد مردان

حسینیة همدانی‌ها تهران لباس سقایی می‌پوشند و راهی حسینیة عباسیه همدانی‌ها در نزدیکی چهارراه سیروس می‌شوند. آن‌هم به این دلیل که این دو هیئت از یک قوم و طایفه هستند و می‌خواهند در عزاداری‌ها همراه هم باشند. در این مراسم ویژه، سقایان در حسینیة در حالی که ذکر سقایی گرفته‌اند چندبار دور می‌زنند و در پایان، مداح حسینیة همدانی‌ها به رسم مهمانی تنها چند بیت نوحه می‌خواند و مراسم به پایان می‌رسد. روز عاشورا هم اهالی حسینیة همدانی‌ها میزبان عزاداران هستند که از حسینیة عباسیه با لباس‌های سقایی به سمت خیابان ری می‌آیند.

حسینیة همدانی‌های تهران در مبارزات انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نقش پررنگی ایفا کرده‌است و برخی از جوانان شرکت‌کننده در جلاست پرشوران حسینیة شهید و برخی هم جانباز شده‌اند.



پذیرایی با آنگوش

بر نام‌های تکیه نفر آباد به ماه‌های محرم و صفر محدود نیست و بر نامه‌های مذهبی این مکان مذهبی در شب‌های جمعه اجرا می‌شود. نفر آبادی‌ها شب‌های جمعه به این تکیه آمده و ضمن شرکت در مجلس سخنرانی، به نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند، اما یکی از رسم‌های قدیمی در این تکیه، پذیرایی متفاوت از مهمانان است. متولیان این تکیه، به روال قدیم با آنگوش از شرکت‌کننده‌ها پذیرایی می‌کنند.

مصطفی عرب، از ساکنان قدیمی ری می‌گوید: «به یاد دارم که بزرگ‌ترها در آشپزخانه با هیزم آتشیزی می‌کردند و آب برای درست کردن چای را روی زغال جوش می‌آوردند.» البته علی ایرانیان هم می‌گوید: «در گذشته فقط شب تاسوعا و روز عاشورا به عزاداران غذای نذری می‌دادند و در پایان مراسم عزاداری، مهمان‌ها با چای پذیرایی می‌شدند. بعدها پذیرایی در شب‌های جمعه سرسوم شد.»

تزیین چادر به همت هنرمندان اصفهانی

متولیان این هیئت، در ایام محرم اقدام به برپایی خیمه بزرگی روی شستن می‌کنند که از یک چادر سفید تشکیل شده است. این چادر را هنرمندان اصفهانی ساخته و تزیین کرده‌اند که قدیم‌ترها آن را یک ستون چوبی به ارتفاع ۱۲ متر تکیه می‌داشتند. در واقع این خیمه در قدیم ستون‌های چوبی در اطراف داشت که سال‌هاست جای خود را به تیر آهن‌ها داده‌اند اما شکل قدیمی تکیه حفظ شده است. در فاصله ۲ متری از زمین، قلاب‌های گردی نصب شده که یک سر آن درون دیوار شیبستان فرو رفته است. وقتی چادر خیمه را بر پا می‌کنند، طناب‌ها را به این قلاب می‌بندند تا چادر از هر طرف مهار شود. سپس فرش‌ها، صابون‌ها و وسایل قدیمی را جای جای این تکیه قرار می‌دهند که هر کدام حال و هوای خاصی دارد.

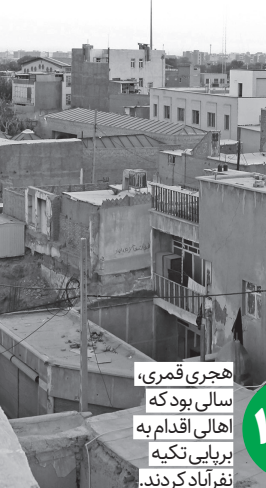
نخستین تکیه ری در محله نفر آباد در دوره شاه‌طهماسب صفوی پایه‌گذاری شد ۴ قرن عزاداری در جوار سیدالکریم

عباس قربانی پور که پدر مرحومش از اعضای قدیم تکیه بوده و نقش میسار، دار، علم کش و نوحه‌خوان را داشته، می‌گوید: «طاق نما و غرفه‌هایی کوچک در این تکیه وجود داشت که هر کدام از آنها متعلق به یکی از طایفه‌های نفر آباد بود. آنها در غرفه مخصوص خود، مهمان‌ها پذیرایی می‌کردند تا اینکه تکیه بازسازی و محلی در طبقه دوم برای نشستن بانوان ساخته شد.» علی ایرانیان هم در این باره می‌گوید: «در قدیم این تکیه دارای ۸ طاق بود و هر طاق به یک گروه خاص اختصاص داشت. به‌عنوان مثال، یک طاق مخصوص خانم‌ها و طاقی دیگر مخصوص رعایا بود که در آن قسمت می‌نشستند و عزاداری می‌کردند.» او با اشاره به اختصاص هر طاق و غرفه به یکی از طایفه‌ها و خانواده‌های نفر آبادی می‌گوید: «هر طایفه یک طاق‌نما می‌بست و چراغ‌هایی در آن روشن می‌کرد که به زبان عامه به «لمپه» مشهور بود. در زمان عزاداری، زنجیرزن‌ها در ایوان زنجیر می‌زدند و صاحب‌جمع‌ها (حکومتی‌ها) در سکوی شمال تکیه می‌نشستند. بعد از توسعه تکیه در سال ۱۳۲۲ به دلیل افزایش جمعیت نفر آباد، بخش‌های قدیمی جمع شد. پس از آن مرد‌ها دور تا دور تکیه و زن‌ها در وسط و کودکان مقابل مادرهایشان می‌نشستند و عزاداری می‌کردند.»

این خیمه به همت اهالی علم می‌شود

برپایی خیمه در نفر آباد روش‌های خاصی دارد که سال‌هاست از سوی اهالی انجام می‌شود. مصطفی عرب که در انجام این کار نقشش دارد، می‌گوید: «خیمه را روی پشت‌بام پهن کرده و بخش‌هایی از آن را روی تیرک قرار می‌دهند. سپس سسر تیرک را از وسط خیمه بیرون می‌آورند و محکم با طناب می‌بندند. بعد از آن ۴ طناب که به سسر تیرک متصل شده را از اطراف می‌کشند تا تیرک و چادر تکیه نفر آباد به‌صورت عمودی و تراز قرار گیرد. پس از آن سبیه‌ها را دور تا دور تکیه را نصب می‌کنند و همه آذین‌بندی‌ها و آماده‌سازی فضای داخلی با بیرق‌ها، علم‌ها، پرچم‌ها و نشانه‌ها انجام می‌شود.»

قربانی پور هم در این باره می‌گوید: «در سال‌های دور، دیوارهای اطراف تکیه کوتاه بود و برای برافراشتن چادر از ۳ تیرک چوبی بسیار بلند استفاده می‌شد. آن زمان خیمه بزرگ‌تر بود و از دهه ۴۰ با تعمیرات، بازسازی و گسترش تکیه، طراحی آن موجب شد خیمه روی یک تیرک قرار گیرد.» مسعود نفر، هم از قدیمی‌های شهرری و یکی از برپاکندگان خیمه می‌گوید: «بیشتر ساکنان قدیمی شهرری و نفر آباد از افسار کم‌درآمد جامعه بودند و شغل آنها دامداری و کشاورزی بود. آنها به‌سختی این تکیه را سر و سامان دادند و با نذرهای ۲ تومانی روضه ابا عبدالله‌الحسن(ع) را بر پا می‌کردند. گاهی اوقات هم از خانه قند، برنج، چای و نفت می‌آوردند و از عزاداران پذیرایی می‌کردند.»



هجری قمری، سالی بود که اهالی اقدام به برپایی تکیه نفر آباد کردند.

۱۰۶۰

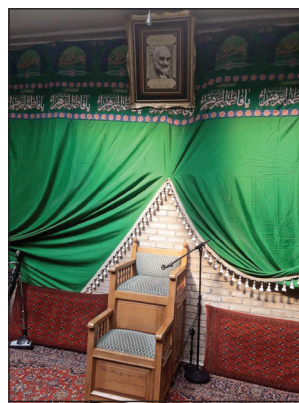
سال نخستین حصارکشی اطراف تهران می‌گذشت که تکیه نفر آباد ساخته شد.

۱۰۰

از باب دست ما را گرفته است

برخی از نفر آبادی‌ها از کرامات و معجزات این تکیه سخن می‌گویند و به آن اعتقاد دارند. به‌عنوان مثال، یکی از اهالی می‌گوید اگر کسی در این تکیه ۳ رکعت نماز شب بخواند، حاجت می‌گیرد. عده‌ای از اهالی هم به شغاف یک نابینا در این تکیه اشاره می‌کنند. اما مسئولان تکیه می‌گویند: «ما به نیت سیدالشهدا(ع) به اینجا می‌آیم و با او معامله کرده‌ایم. فقط امیدواریم در آخرت شرم‌منده از باب نباشیم چون باور داریم همیشه در کار و زندگی‌مان دست ما را گرفته است.»

حسینیة شیخ رجعی خیات



بالای در چوبی و لاغر خانه، بر تابلویی نوشته: «حسینیة شیخ رجعی خیات». اهل محله هر نرسندی و مولوی می‌دانند چه‌موقع مراسم عزاداری در این خانه برگزار می‌شود؛ مجلسی که پسر کوچک شیخ رجعی باقی آن است. ۲۰ سال است که این خانه به حسینیة تبدیل شده. پنجره‌های چوبی، اتاق‌های نعلی شکل را به حیاط وصل می‌کنند. راه پله پارکی راه به سوی طبقه دوم خانه می‌برد و جایی که روزگاری حیاط خانه بود، با سقف ایرانی‌تزی شده اصلی حسینیة تبدیل شده است.

خانه همیشه پر از مهمان بود

شیخ رجعی خانیان ۹ نفره داشت، اما سرفه که پهن می‌شد، همیشه ۴۰-۳۰ نفر پای سفره مهمان بودند. تیم‌نواز بود. برای همین هم به فرزندان خودش، ۳۰-۲۰ بچه دیگر هم در این خانه زندگی می‌کردند. یکی دو تا از اتاق‌ها را هم اجاره داده بود به کسانی که از پس اجاره خانه بر نمی‌آمدند. یکی از مستأجرها صاحب اولاد شده بود. شیخ رجعی از مقرری اجاره انقش کم کرد و گفت: «از آن‌جا که بعد اجاره کمتر بپرداز و به بجهت برس.»

سیمیای مرد دوست داشتی

۶۰ سال است شیخ رجعی در خاک آرام گرفته‌است. باین حال هنوز یاد باقی است. چه برای آنها که تنها اسمی از او شنیده‌اند چه نزدیک‌ترین دوستان و همسایه‌های شیخ رجعی خیات. یعنی اهالی محله مولوی و کوچه سیاه‌ها؛ مردی که با عبا و کلاه عرق چینیشت پشت میز خیطی می‌نشست. سادگی و صداقت زبانتز داد بود و روایت‌های زیبادی از کرامت‌های او تا امروز گفته و نوشته شده است. رجعی خیات در سال ۱۳۶۲ شمسی به دنیا آمد. پندرش را در نوجوانی از دست داد و خیلی زود مسئولیت نگهداری از مادر و تامین مخارج زندگی بر عهده‌اش افتاد. فرار از گناه در جوانی بود که این مرد گشاده‌دست و گشاده‌رو را صاحب کرامت کرد. ۷۸ سالش بود که در اتاق خانه نقلی‌اش در محله مولوی تهران وضو گرفت و رو به قبله دراز کشید و قبل از اینکه پسرش محمود بر بالینش برسد، چشم از جهان فرو بست. ۶۰ سال از آخرین نفس‌هایی که شیخ رجعی خیات کشیده، می‌گذرد. با این حال هنوز هم رنگ در خانه قدیمی‌اش که به حسینیة تبدیل شده است به صدا درمی‌آید و افرادی از راه می‌رسند و می‌گویند روز و روزگاری شیخ رجعی خیات آنها را از تنگنای بجات داده و به وقت تنهایی و درماندگی، به یاد خانواده‌اش کمک کرده است.

فیلم حسینیة نفر آباد

کیوآر کد ببینید

